

برای بیستم شهریور

هنر جنگ در بازار بورس

که همچون

از رشادتی که در بازار سرمایه به دست می آید جزیره ای است

و تمام آدمیانی

عاشق

سلمان امین

تلاش برای یادگیری در بازار سرمایه

مطالعه در بازار سرمایه

چهارم چاپ

۸۶۲۱ شابک

نصفه اول

تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۹-۲۲۹-۸۷۲



نشر میلکان

تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۹-۲۲۹-۸۷۲ و وبسایت: www.milkan.ir

۸۶۲۱-۲۲۹

www.milkan.ir

info@milkan.ir

فهرست

- این است هنر جنگ. ۹
مراقب زاغه مهمات خود باشید. ۱۳
آرام در بحبوحه‌ی پیکار. ۱۷
از دستورات اطاعت کنید؛ از دستورات سرپیچی کنید. ۲۱
حملات تلافی‌جویانه را کنار بگذارید. ۲۵
بازگشت از بیراهه. ۲۹
جنگ‌جوی همیشه‌پیروز نباشید. ۳۳
پنج عامل شکست. ۳۷
پیشگویی غدغن. ۴۱
پیوسته در حرکت. ۴۵
تجربه بیندوزید. ۴۹
مثل شو‌ای جان در دامنه‌ی کوه چانگ. ۵۳
توانا بود هر که دانا بود؟! ۵۷
جسور باشید. ۶۱
خود را روپین‌تن کنید. ۶۵
نظم در میانه‌ی آشوب. ۶۹
نه شتاب، نه درنگ. ۷۳
بی‌خیال پول. ۷۷
در هر زمینی نجنگید. ۸۱
سریع‌ترین، بهترین. ۸۵
خودتان را مطالعه کنید. ۸۹
گاهی باید سپر بیندازید. ۹۳

این است هنر جنگ

سنجش و دانش پیش از هر اقدام؛ این است هنر جنگ.

قرن‌ها پیش از این یک ژنرال میدان‌دیده‌ی جنگی دیدگاه‌های خود را در مورد آیین نبرد در قالب رساله‌ی کوچکی گرد می‌آورد. او این رساله را به پادشاه وقت پیشکش می‌کند تا شاید در پیکارهای پیش‌روی کشور گره‌گشای مشکلات و مصایب نبرد باشد. اثر درخشان ژنرال سان زو^۱ از آن تاریخ‌تابه‌حال بارها و بارها به زبان‌های مختلف به چاپ رسیده است. شوربختانه جنایت‌کاران بسیاری در طول تاریخ با استفاده از آرای این کتاب جنگ‌های بسیاری برافروخته‌اند و ایرانی‌های بی‌شماری روی دست بشر گذاشته‌اند. مشهور است که هیتلر، استالین، موسولینی و مانو از مشتری‌های پروپاقرص کتاب این فرمانده جنگی روزگار باستان بوده‌اند؛ کتاب مستطاب هنر جنگ.

هنر جنگ مجموعه‌ی فشرده‌ای از تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جنگی است که در سیزده فصل تدوین شده است. این اولین دست‌نوشته‌ی تاریخی در مورد آموزش فنون نبرد نیست؛ اما بی‌تردید مشهورترین، محبوب‌ترین و مهم‌ترین آن‌هاست. نکته‌ی منحصر به فرد این کتاب اما رویکرد روان‌شناختی و مردم‌شناسانه‌ی سان زو است. درهم‌تنیدن استراتژی‌های نبرد با نگاهی به پیچیدگی‌های روحی و

1. Sun Tzu

روانی انسان این نوشته را به اثری درخشان و تأمل برانگیز تبدیل می‌کند. شاید طنز تلخ حاصل از هم‌نشینی واژه‌ی ظریف و خوش‌نام «هنر» با کلمه‌ی ویرانگر و زمخت «جنگ» بتواند ما را تا حدودی با نوع نگاه نویسنده آشنا کند. گمان می‌کنم همین نگاه روان‌شناسانه‌ی او به مسئله‌ی رزم باعث شده است که این کتاب به تدریج از کاربرد اصلی خود خارج شده و پس از سده‌ها جنبه‌های پنهان دیگری از خود را به رخ بکشد. آموزه‌های او امروزه غیر از جنگ در شاخه‌های مختلف اقتصاد، ورزش و تجارت تدریس می‌شود. به‌سخن دیگر، هر تابنده‌ای که با مسئله‌ی پیروزی و شکست سروکار دارد، می‌تواند مخاطب تئوری‌های هنر جنگ باشد.

وقتی اولین بار به این کتاب برخورد، قابلیت پیاده‌سازی روش‌های استراتژیک فرمانده کارکشته‌ی چینی در انجام معاملات بورس من را عمیقاً تحت تأثیر قرارداد. فصل‌ها را یک‌به‌یک می‌خواندم. هرچه پیش‌تر می‌رفتم، بیش‌تر حیرت‌زده می‌شدم. اگر کلماتی مثل «شمشیر» و «سپر» و «کلاه‌خود» و «زاغه‌مهمات» را از دایره‌ی واژگان کتاب حذف می‌کردم، می‌توانستم این‌طور فکر کنم که با یک خودآموز سرمایه‌گذاری تجاری طرف حساب شده‌ام. اصول بنیادین این تجارت مثل مدیریت سرمایه، تنظیم سیستم شخصی، طراحی استراتژی‌های کارآمد معاملات، تطبیق روش‌های خریدوفروش با حالات مختلف بازار، نحوه‌ی محاسبات، جمع‌آوری و به‌کارگیری اطلاعات پایه‌ای در دادوستد به‌طور معناداری از این کتاب قابل استنباط بود.

«مهم‌ترین مسئله‌تان در جنگ، پیروزی است نه لشکرکشی‌های فرساینده.»
بعد از خواندن چندباره‌ی کتاب از تمام فصل‌های آن برای خودم یادداشت برداشته بودم؛ اما تنها پس از خواندن این جمله بود که برای نوشتن کتابی در مورد تکنیک‌های سرمایه‌گذاری در بورس با نگاهی به هنر جنگ متقاعد شدم. این جمله‌ی به‌ظاهر معمولی روزهایی را به یاد می‌آورد که مثل جنگجویی

خسته و بی‌سلاح به مصاف بازار می‌رفتم و هر بار دست خالی‌تر از گذشته باز می‌گشتم. در دوره‌ای چندساله حرکت بی‌نظم و پریشان قیمت‌ها من را به نبرد می‌طلیید و من، پریشان و عصبی، تیرهای ترکش خود را بی‌رمق به‌سمت آن پرتاب می‌کردم. تیرهایی که در واقع همه‌ی سرمایه‌ی ارزشمند من بود. البته نیاز به گفتن ندارد که هیچ‌گاه هم چنان‌که باید، به هدف اصابت نمی‌کرد. به خیال خود داشتم با دشمن روبه‌رو می‌جنگیدم؛ اما امروز به‌خوبی می‌دانم که نام این تلاش‌های سرگردان و آشفته هرچه بود، «جنگ» نبود.

در واقع، من بی‌آن‌که بدانم، به دادوستد اعتیاد پیدا کرده بودم. خریدوفروش‌های بی‌برنامه و هیجانی مثل افیون، انگار روانم را آرام‌تر می‌کرد. من فرماندهی بودم که به‌جای دستیابی به پیروزی، عاشق اردوکشی‌های درازمدت و لشکرکشی‌های فرساینده شده است. بعدها که با نگاهی سیستماتیک روند معاملاتی‌ام بهبود پیدا کرد و آرام‌آرام پول‌های ازدست‌رفته‌ام را از بازار پس گرفتم، توانستم حال‌وروز دوران ناکامی‌ام را ارزیابی و دلایل شکست‌های پی‌درپی‌ام را کشف کنم. آن‌وقت تازه حس کردم که دستیابی به موفقیت در بازارهای سرمایه تا چه حد آسان و تا چه اندازه دور از دسترس است. عجیب بود وقتی می‌دیدم که به چه سادگی‌ای می‌توانستم خودم را از شر زیان‌های کُشنده خلاص کنم و عجیب‌تر این بود که چرا هرگز از پشش بر نمی‌آمدم.

راه‌هایی که در آن روزها کار من را به باخت و ناکامی می‌کشاند، به‌نظر کاملاً شخصی می‌آمد. فکر می‌کردم دارم در مسیری راه می‌روم که هیچ مسافر دیگری از آن عبور نمی‌کند؛ اما به تدریج متوجه شدم که اصول بنیادین پیروزی و شکست در بازار درست مثل فتح میدان‌های نبرد به‌طرز اعجاب‌آوری محدود و به‌شکل بی‌رحمانه‌ای اثرگذارند. دانستن این نکته‌ها وقت و هوش زیادی نمی‌خواهد، در اصل، این‌که تا چه اندازه آموخته‌های‌تان را اجرا می‌کنید، فاصله‌ی شما تا موفقیت را مشخص می‌کند.